

درختان توت خیابان علویه که بیش از ۲ دهه قبل میان کارگاه‌ها و کارخانه‌ها کاشته شد، حالا هم سایه دارند و هم محصول

میراث شیرین صنعتگران



مکان نما

علویه است، می‌گوید: ۲۰ سال پیش، این درخت‌ها چهره امروز را داشتند. کوچک بودند و کم توت ولی چون چند متر پایین‌تر، منبع آب روبازی مربوط به تأمین آب قاسم آباد بود، ما از آنجا شلنگ می‌انداختیم و این درختان را سیراب می‌کردیم. به همین دلیل توتی که می‌داد، همیشه پرآب و شیرین بود.

توصیف داستان سبز شدن این درختان در چند نقطه از خیابان علویه، از زبان کارگران و فعالان قدیمی صنعت در این محدوده، شنیدنی است. مهدی سالاریور که نگهبان یک مجموعه صنعتی است، می‌گوید: تا ۲۵ سال قبل، اصلاً علویه ۳ کوچه نبود؛ فضای کارخانه بود که دو تکه شد و از میان آن، این مسیر باز شد. وقتی دیوارها ریخته شد، این درخت‌ها که قبلاً وسط کارخانه بودند، وسط کوچه قرار گرفتند.

داستان رویداد و تنومند شدن تعدادی از درختان توت حاشیه خیابان علویه هم به زحمت صنعتگران و فعالان این حوزه برمی‌گردد. حسین مهدوی کیا، از کارگران قدیمی این محدوده، می‌گوید: در گذشته، خیابان علویه مثل امروز نبود؛ نه آسفالت درستی داشت و نه دیوار و سایه‌ای. همکاری داشتیم به اسم جمشید خداوردی که همیشه می‌گفت «اینجا چه بیابانی است که مادر آن کار می‌کنیم؛ نه سرسبزی دارد نه سایه‌ای که زیر آن بنشینم.» یک روز بهاری دیدیم ۱۰ تانهای توت از باغ خودش آورد. ۴، ۵ درخت حاشیه خیابان کاشت، بقیه را هم داخل حیاط کارگاه، از او خبری ندارم. ولی حالا همین درختان شده است یادگاری آن بنده خدا.

و هم درختانش پشه ندارد. حسابی می‌چسبید.

● درختان سیراب از قاسم آباد

فقط بچه‌های امروز محلات امیریه، صادقیه، الهیه و نقویه نیستند که طعم شیرین توت‌های درختان خیابان علویه یک را می‌چشند، بلکه قدیمی‌ترها و کسانی نیز که از حدود دود دهه قبل در این محدوده رفت‌وآمد داشته‌اند، می‌دانند درختان توت این مسیر تا چه اندازه شیرین و خوشمزه است. محمد حسین پناه که اکنون ساکن محله امیریه است و دود دهه قبل تر به عنوان دانشجوی به کارگاه مکانیک دانشگاه آزاد در این محدوده تردد داشته است، می‌گوید: آن زمان اردیبهشت که می‌شد، قبل شروع کارگاه یا فاصله بین ساعت‌های کلاس‌های ام‌دیم توت خوری. حسین داوری هم که از کارکنان یکی از واحدهای تولیدی خیابان

بهشتی اسفید، آب‌دار و شیرین؛ این‌ها صفاتی است درباره یک توت خوب که هر ساله این موقع در خیابان‌های شهر می‌توان یافت؛ توت‌های درختان خیابان علویه نیز از همین جنس هستند. بچه‌هایی که این روزها از درختان این خیابان بالامی‌روند و آن‌ها را می‌تکانند، محصول این درختان را این‌گونه توصیف می‌کنند. در گوشه و کنار این خیابان، درختان کوتاه و بلند توت دیده می‌شود که در روزهای اردیبهشتی، کام‌ا اهالی محله امیریه و محلات اطراف و همچنین رهگذران را شیرین می‌کند.

● مایه سرسبزی محله

درختان توت خیابان علویه به یقین قدیمی‌ترین درختان محدوده شهری الهیه مشهد هستند؛ زیرا قبل از آغاز سکونت در الهیه، صنعتگران و واحدهای تولیدی در این محدوده فعال بودند و زمینه سرسبزی و آبادی را در این گوشه از شهر ایجاد کردند. حالا میراث آن دوران، درختان توتی هستند که در حاشیه خیابان علویه یا کوچه علویه یک، دیده می‌شوند و هم مایه سرسبزی هستند و هم محصول شیرینی به شهروندان عرضه می‌کنند.

باد و نوجوان که از درختی بالامی‌روند تا از محصول شیرین تازه رسیده بچینند، گفت‌وگو می‌کنیم. سینا مهدوی می‌گوید: هفت سال است در این محله هستیم. پدرم نگهبان شرکت است. دو سال است با دوستم، ابوالفضل می‌آییم و از این توت‌های خوری، هم شیرین است



دختر نوجوان محله ارمغان، با ۲ رشته مختلف ورزشی تجربه قهرمانی در کشور را دارد

عبور از چالش‌ها با خودباوری

بود. البته در این مدت، دان ۲ کیک بوکسینگ و دان یک دفاع شخصی را هم گرفته‌ام که برایم ارزشمند است.

● امکانات برای این رشته در محله شما

مناسب است؟

ما فقط یک باشگاه خصوصی برای این رشته در محله داریم که شرایط خیلی خوبی دارد؛ جز این فضای ورزشی دولتی برای این رشته نداریم. یعنی برای هیچ رشته مجموعه ورزشی دولتی نداریم.

● چالش‌ها و سختی‌های مسیر ورزشی‌ات چه بوده‌اند؟

مهم‌ترین چالش، مدیریت زمان بود؛ بین درس، تمرین، خانواده و زندگی شخصی، گاهی خستگی جسمی و ذهنی اذیت می‌کرد.

● غیر از ورزش، چه علایق و سرگرمی‌های دیگری داری؟

وقتی فرصت می‌کنم، از کتاب خواندن لذت می‌برم، به ویژه کتاب‌های انگیزشی و زندگی‌نامه قهرمانان، همچنین به موسیقی علاقه دارم.

● مهم‌ترین ویژگی مثبت خودت را چه می‌دانی؟

«خودباوری». من اول توانایی‌هایم را شناختم و بعد به مسیر قهرمانی ورزشی رسیدم.

● چه رؤیایی در ذهن داری که می‌خواهی به آن برسی؟

دوست دارم روزی بتوانم در مسابقات جهانی المپیک، پرچم ایران را بالا ببرم. همچنین دوست دارم یک آکادمی ورزشی داشته باشم تا به بچه‌های دیگر کمک کنم.

همیشه در درونم، هیجان برای چالش‌های جدید و ورزش قدرتی‌تر وجود داشت.

● این رشته آنچه را می‌خواستی، به تو داده است؟

من با این ذهنیت به سمت کیک بوکسینگ رفتم که چالش‌های بیشتری داشته باشم و توانایی ذهنی و بدنی‌ام را محک بزنم و این اتفاق برایم هم در تمرینات و هم در رقابت‌ها رخ داد.

● بهترین نتیجه ورزشی‌ای که در

کیک بوکسینگ کسب کرده‌ای، چه بوده است؟ در شانزده سالگی توانستم در مسابقات رده نوجوانان در مازندران قهرمان کشور شوم. این بهترین اتفاق

ریحانه فرخانی وقتی فقط ۶ سال داشت، به تمرینات ژیمناستیک و حرکات زمینی این رشته روی آورد. خیلی زود در این رشته به مدال‌های رنگارنگ ناحیه، استان و کشور رسید و خیلی زود آن را کنار گذاشت. علاقه به ورزش و تحرک زیاد سبب شد فاطمه اگر می‌به رشته‌های ورزشی مختلف سرک بکشد تا اینکه در چهارده سالگی کیک بوکسینگ را برگزید.

دختر نوجوان محله ارمغان به پشتوانه تلاش و پشتکار و البته آمادگی جسمانی مناسبش، در همین چهار سالگی که تمرین و مسابقات کیک بوکسینگ را دنبال می‌کند، توانسته افتخار آفرینی کند.

● از شروع مسیر ورزشی‌ات بگو.

من اول به ژیمناستیک علاقه مند شدم، حدود ۱۲ سال قبل. بدنم انعطاف زیادی داشت و در باشگاه خیلی زود حرکات را یاد می‌گرفتم و فضای بازی و ورزش برایم خیلی جذاب بود؛ چون حسابی از ورزش لذت می‌بردم.

● پس در این رشته موفق بودی؟

بله تا ده یازده سالگی چندمدال قهرمانی کشور و استان را در رده‌های پایه به دست آوردم.

● چرا رشته‌ات را عوض کردی، در حالی که

در ژیمناستیک هم موفق بودی؟ ژیمناستیک به من قدرت، تعادل و انعطاف داد، اما

